

نمایندگی استخباراتی اتحاد جماهیر شوروی در کابل(*) اسناد مربوط سالهای ۱۹۷۵-۱۹۷۹م بخش پنجم

سند نمبر ۹

فیرها در خانه خلق

به تاریخ ۱۱ سپتمبر ۱۹۷۹ طیاره آریانا حامل تره کی به کابل نزدیک می شد. میدان هوائی و حتی راه میدان با بیرق های سرخ که در آن نشان خلق نصب بود و با تعداد کثیری از عکس های تره کی مزین شده بود، به استقبال "رهبر کبیر" تمام عالی جنابان انقلابی آمده بودند و گروپ های تبلیغاتی به خاطر شعار دادن به افتخار تره کی آمادگی می گرفتند.

طیاره تره کی در هوای کابل پدیدار شد و بعد از یکی دو چرخ بلافاصله تایر هایش را بیرون کشیده بسوی نشست می رفت. جمعیت انبوه استقبال کنندگان به صدا درآمده خوش آمدید می گفتند. ولی دفعتاً طیاره بطور غیر منتظره واپس به هوا بلند شد و به مشکل تپه را عبور نموده و در عقب آن پنهان شد.

یک روز بعد مسوول اطلاعات جاسوسی از اطرافیان امین معلومات حاصل کرد که: "نشست طیاره را به تعویق انداختند، به خاطریکه تره کی را بترسانند". وقتیکه بعد از ده دقیقه طیاره به زمین نشست، امین طوریکه لازم هم بود، اولین کسی بود که در نزدیکی طیاره از "رهبر کبیر" استقبال نموده و گزارش داد که صرف همین لحظه به خنثی نمودن تلاش های "دشمنان" در جهت یک حمله غافلگیرانه نایل گردید. به جواب سوال تره کی که این "دشمنان" کیها هستند، امین جواب واضح ارائه نکرد.

امین را در "جایش" گذاشتند:

"... در آگست ۱۹۷۹، یک ماه قبل از حوادث در میدان هوائی مسکو سوال کرد: "تقاضا میکنم تا دقیقاً معلومات ارائه نمایند که آیا در مناسبات "تره کی" و "امین" اصطکاک و مخالفت های جدی وجود دارد یا نه؟ آیا در صفوف (ح د خ) شخصیت های چون امین و قوی تر از آن موجود است یا نه؟".

نظر مسوول اطلاعات کی جی بی چنین بود: "تره کی حیثیت سمبول را دارد اما عملاً تمام امور را امین رهبری می کند. بخاطر بهبود امور باید امین توسط شخصیت قوی دیگری در حزب تعویض شود و یا برخی از صلاحیت های غصب شده توسط وی محدود گردد.

سفیر، مشاورین حزبی و نظامی و نمایندگی (کی جی بی) با این نظر مسوول اطلاعات جاسوسی موافق نبودند، آنها به مسکو جواب دادند که: "در بین تره کی و امین اختلافات وجود ندارد. بر امین باید تکیه نمود".

در مسکو البته فکر کردند که تره کی و امین رفقای جدا ناشدنی هستند، لذا باید به شخص اول مشوره داده شود که دومی را در مقامش باقی گذارد. گریچکوف و رئیس وقت (کی جی بی) "یوری آندروپوف" نیز به این عقیده بودند. احتمالاً در این مورد در جریان سفر تره کی از هاوانا به کابل به تاریخ ۶ سپتمبر ۱۹۷۹ حین توقف در مسکو برایش گفته شده است. یک کارمند اداره اطلاعات جاسوسی، که طی چند سال به طور مخفی با تره کی و کارمل ملاقات می نمود در ملاقات تره کی و آندروپوف ترجمانی می کرد.

در روز بازگشت "تره کی" به کابل، من از همان ترجمان نامه ای کوتاهی به دست آوردم که در آن نوشته بود: "منتظر نتایج مثبت باش". به زبان جاسوسان مکتشفین این نوشته به معنی این بود که هر چه میخواهید: "سوء قصد علیه امین، مرگ تره کی. من درک کردم که در مسکو تره کی را معتقد ساختند تا امین را به جایش باقی بگذارد. (۱) هدایت مسکو در این کار باید سفیر پوزانوف، جنرال ایوانوف نماینده شخصی آندروپوف و جنرال پاولوفسکی نماینده وزیر دفاع استینوف به او کمک می کردند.

در اواسط ماه سپتمبر پوزانوف، ایوانوف و پاولوفسکی با جنرال گوویلوف سرمشاور که در سال ۱۹۶۸ در چکوسلواکی خوب تبارز کرده بود، به همراهی یک موثر محافظین مسلح قطعه مخصوص (کی جی بی) به نام "زینت" از سفارت شوروی به استقامت خانه خلق حرکت کردند. محتوای ملاقات ها با تره کی و امین جدآ سری نگهداشته می شد، اما در سیمای سفیر و سه جنرال دیده می شد که از مذاکرات شان نتایج مطلوب حاصل نشده است.

من آگاهی داشتم که در برابر چهار گانه فوق وظیفه سلب صلاحیتهای امین قرار نداشت. بلکه به جهت کمک تره کی صرف باید مداخلات امین را در امور مربوط به وزیر دفاع و رئیس خاد (خدمات اطلاعات دولتی) کی جی بی افغانستان کمتر می ساختند. ولی برای امین کنترل بر اردو و اورگانهای خدمات مخصوص امنیتی اهمیت استثنائی داشت، لذا این مذاکرات در حضور تره کی او را نا آرام ساخته بود.

سند نمبر ۱۰

وزرای مسلح با ماشیندار :

بعد از ظهر ۱۲ سپتمبر وزرای مخلوع گلاب زوی، وطنجار، مزدوریار و اسدالله سروری رئیس ارگانهای امنیتی که از طرف امین به اتهام "ارتباط" با سی آی ای تحت تعقیب قرار داشتند، به طور مسلح و غیر منتظره به همراهی محافظین خویش به سفارت آمدند. آنها تقاضای ملاقات با جنرال (کی جی بی) ایوانوف را نمودند. چهار گانه به جنرال آشفته توضیح دادند که امین علیه انقلاب دسیسه میکند و او با (سی آی ای) ارتباط دارد و گویا در نزد آنها فکت ها و شواهد انکار ناپذیر در زمینه موجود است.

جنرال ایوانوف نخواست با آنها طور مفصل صحبت نماید، پیشنهاد کرد تا آنها در زمینه معلومات تحریری تهیه نمایند و فوراً ایشان را از سفارت رخصت کرد. موافقه کردند که یکروز بعد همکار معین سفارت (۲) به منزل گلاب زوی رفته و سند را از آنها اخذ میدارد. صبح مورخ ۱۴ سپتمبر "ایلین" کارمند اوپراتیفی اداره اطلاعات جاسوسی (کی جی بی) به منزل گلاب زوی رفته و در آنجا هر چهار وزیر را با تفنگچه در حالی دریافت که ۴ پایه ماشیندار کلاشنکوف "کلاشنیکوف" (۳) نیز در کنج اطاق مانده شده بود. سروری تلفونی تره کی را قانع می ساخت که امین برضد وی دسیسه می کند و پیشنهاد میکرد تا هر چهار وزیر مسلحانه به دفاع رهبر بیابند، اما تره کی کمک رفقای وفادار خود را رد کرد. همچنان ایلین وظیفه داشت تا به نمایندگی از رهبری سفارت جدآ از وزرای مدکور خواهش کند تا از آمدن نزد ایوانوف خود داری کنند. با شنیدن حرفهای ایلین دفعتاً گلاب زوی پرسید: "در صورت ضرورت اجازه خواهیم داشت تا نزد شما به منزل بیائیم؟" ایلیم بطور غیر منتظره موافقه نموده با اخذ معلومات تهیه شده از افغانها در راه حرکت به سوی سفارت به منزل خود رفته خانمش را مطلع ساخت...

معلومات ارائه شده طوریکه "گلاب زوی" بر شمرد مشتمل از ده فکت غیر قابل انکار است که رابطه امین را با (سی آی ای) ایالات متحده امریکا و جنایتکاران کابل نشان میدهد. در سند تاریخ و جاهای مشخص ملاقات امین با فعالین اطلاعات جاسوسی (سی آی ای) تذکر یافته بود. وزراء تصدیق میکردند که چنین ملاقات های منظم حتی قبل از انقلاب وجود داشت و بعد از انقلاب امین نمایندگان مخصوص امریکائی را در دفتر خویش در مقر وزارت خارجه که از وسایل تخنیکی جاسوسی (کی جی بی) شوروی مصئون بود ملاقات میکرد. (۴)

حوالی ساعت دوجبه بعد از ظهر خانم ایلین به سفارت آمده به شوهرش اطلاع داد که چهار وزیر مخلوع خلقی در منزل شان است. ایلین فوراً موضوع را به دگروال بگدانوف مسؤول نمایندگی (کی جی بی) در جلب ارگان های امنیتی جمهوری دیموکراتیک افغانستان، گذارش داد و با اخذ وظیفه "کهن سال"، برو به خانه و بپرس که آنها چه میخواهند. ، بسوی اقامتگاه خویش حرکت کرد. وقتیکه به حویلی داخل شد، در را محکم بسته کرد. در محوطه خاموشی حکمفرما بود، حتی صدای سگ شنیده نمی شد چون در گاراژ انداخته شده بود. هیچ علایمی از موجودیت کسی در منزل به ملاحظه نمیرسید. صرف پرده های کلکین تکان خورد. حین داخل شدن ایلین به دهلیز، گلاب زوی با لباس ملی افغانی در تن و ماشیندار در دست از صالون به استقبال وی بیرون شد و گفت: "ما بیشتر از این نمی توانستیم در منازل خود باشیم، چون امین حکم گرفتاری ما را صادر کرده است.

ما میتوانستیم امر جنگ داده آماده مرگ باشیم و یا به اینجا بیاییم. مرده ما درد کسی را دوا نمی کند، ولی اگر زنده باشیم به کار دوستان شوروی خواهیم آمد. ما تا وقتیکه امین و باند وی ختم نشوند، آرام نخواهیم نشست. آرزو مندیم که رهبری شوروی ما را درک خواهد کرد. همچنان روی صالون سه افغان دیگر مثل گلاب زوی در لباس افغانی نشسته بودند. همه آنها سلاح کلشینکوف داشتند و هم یک ماشیندار خفیف در روی زمین مانده شده بود. ایلین سروری و وطنجار را شناخت اما سومی قطعاً به مزدور پار مشابهت نداشت. گلاب زوی گفت که این رفیق مطمئن ما پیلوت اقبال است. ما در (تویوتائی) که رفیق سروری قبلاً در اپریل ۱۹۷۸ از داؤد رئیس جمهور اسبق مصادره نموده بود و طی این مدت در حویلی یک از خویشاوندان وی نگهداری شده بود، به اینجا آمدیم. ما موتر را در گاراژ شما داخل نمودیم، احتمالاً همسایه ها چیزی ندیده اند.

سند نمبر ۱۱

مرگ جگر ترون:

ایلین هنوز با مهمانان غیر منتظره خود صحبت می نمود که سه جنرال، در راس سفیر پوزانوف به خانه خلق رفتند، تره کی به امین تلفون کرد و او را دعوت نمود. امین رفتن نزد "رهبر کبیر" را به نام اینکه در خانه خلق سوء قصدی علیه او سازماندهی می شود، قاطعانه رد کرد. ولی با وصف وعده های تره کی امین با پوزانوف صحبت نموده از وی تضمین امنیت شخص خود را تقاضا نمود و سفیر چنین تضمین را به وی ارائه داشت. دقایقی بعد دو موتر به سوی دروازه اقامتگاه تره کی آمدند، نخست دو نفر محافظین امین داخل تعمیر شده راه زینه ها را به طبقه دوم در پیش گرفتند، بعد از چند ثانیه امین از موتر پائین شد. هنوز او به زینه ها نرسیده بود که فیر ماشیندار شروع شد، نخست از همه امین از دروازه بیرون رفت، در حالیکه دست بر شکم گرفته و خود را با جست و خیز به موتر رسانید و به یکی از محافظین خود که دستش خون آلود بود کمک نموده او را داخل موتر ساخت و فریاد زد. ماشین به صدا درآمد و موتر به سرعت از دروازه بیرون رفت، و همکار وفادار امین جگر ترون با بدن خونچکان در زینه ها جان میداد. حادثه مرگ داؤد ترون نخست به محبوس شدن و بعداً به مرگ تره کی دنبال شد. بعد از آن بریزنف، آندروپوف، استینوف، گرومیکو و یاناماریوف تصمیم گرفتند تا امین را با بیرک کارمل تعویض نمایند. تحقق این امر بدون ورود قوای شوروی به افغانستان ممکن نبود ... امین در بازگشت به اقامتگاه خود به تره کی تلفون کرده، او و سفیر شوروی را به سوء قصد علیه خود متهم نمود. تره کی سعی کرد تا واقعه را طوری توضیح کند که گویا مجال نیافت تا محافظین را که وظیفه داشتند "به هیچ کس اجازه ورود را ندهند" تفهیم نماید.

... صبح ۱۵ سپتمبر تره کی محبوس شد و امین شخصاً این موضوع را به پوزانوف سفیر شوروی چنین اطلاع داد: "رفیق تره کی منشی عمومی در شرایط خوب نگهداری می شود و اگر رفیق پوزانوف آرزومند ملاقات با وی باشد، در هر وقت این امکانات برای شان فراهم میگردد." سفیر پوزانوف تلگرام عاجل به مسکو مخابره کرد. ولی او از مسکو اجازه ملاقات با منشی عمومی کمیته مرکزی (ح د ح خ ا) و رئیس شورای انقلابی جمهوری دیموکراتیک افغانستان را که محبوس بود، تقاضا نکرد. او صرف نوشت که: "تره کی ختم است، تکیه باید تنها بالای امین صورت گیرد."

بعد از ۱۴ سپتمبر ۱۹۷۹ موسس حزب "برادر مارکسیستی - لیننیستی" حزب دیموکراتیک خلق افغانستان را هیچ یک از نمایندگان شوروی ندیده است. تره کی زیر خاک شده فراموش گردید و بعداً بالای نام او در تاریخ (ح د خ ا) خط بطلان کشیده شد. آنگاه هیچ کس در دفاتر قصر واقع در میدان سابقه مسکو در مورد آئین انترناسیونالیستی کمونیست های شوروی فکر نکرد.

در کابل و هم در چینل های دیپلماتیک شایع بود که سوء قصد ناکام علیه امین صورت گرفته و سه وزیر افغانی و رئیس ارگان امنیتی مفقود الاثر هستند. رادیو، تلویزیون و نشرات در باره واقعه مسکوت بودند، حتی چند روز دیگر در مطبوعات عکس های تره کی چاپ و در باره سفر او به هاوانا و مسکو مطالب طور مفصل به نشر می رسید. به ارتباط چارگانه ها، امین شایع ساخت که آنها به چین فرار کرده اند و حتی حین ملاقات با پوزانوف که خود را بی خبر از موضوع جلوه داد، عین ورشن را اظهار نمود.

بتاریخ ۱۹ سپتمبر امین اعضای متباقی کمیته مرکزی (ح د خ ا) را به پلینوم دعوت کرده خود را منشی عمومی اعلان نمود. امین در مورد اینکه چگونه تره کی می خواست سوء قصد را علیه او عملی کند، مفصلاً توضیحات ارائه کرد. امین به این موضوع که حین سوء قصد ناکام، سفیر شوروی نیز با تره کی یکجا بود، و به او تلفونی اطمینان داده بود که هیچ حادثه ای به وقوع نمی پیوندد، توجه جدی حاضرین را جلب نمود. مطبوعات در باره حادثه نوشت: "پلینوم کمیته مرکزی حزب دیموکراتیک خلق افغانستان تقاضای تره کی را در مورد برکناری وی از تمام پُست ها بنا بر "معاذیرصحی" تحت بررسی قرار داده و تأیید کرد و به "اتفاق آرا" رفیق حفیظ الله امین را به حیث منشی عمومی کمیته مرکزی (ح د خ ا) انتخاب نمود". فورمول بندی معروف؟؟؟ (۵)

تویوتا را پرزه کرده دفن نمودند:

صبح ۱۷ سپتمبر جنرال گوریلوف و همکار سیاسی وی با چهره های بشاش به سفارت آمدند و به پوزانوف گذارش دادند که: "رفیق امین شخصاً ایشان را از "انتخاب" خود مطلع ساخته است. بعداً آنها قاتل تره کی را به آغوش کشیده، روی بوسی نمودند. به جنرالان باید باور داشت، وقتیکه آنها میگویند مخالف ورود قوای شوروی به افغانستان بوده اند زیرا میدانستند که قوای شوروی به خاطر برانداختن امین به افغانستان میروند، اما بدون امین دوست داشتنی و عمیقاً قابل احترام در افغانستان برای آنها کاری وجود نداشت. چنین هم واقع شد: خیلی زود بعد از ورود "قطعات محدود" شوروی به افغانستان هر دو جنرال به نسبت کوتاه اندیشی سیاسی به مسکو خواسته شدند. بتاریخ ۱۷ سپتمبر سفیر پوزانوف نیز ملاقات عادی (پروتوکولی) را با امین انجام داد: لازم بود تا انتخاب او را در پُست های عالی حزبی و دولتی تبریک بگوید.

پوزانوف بعد از بازگشت به سفارت کارمندان مسؤل دیپلماتیک را دعوت نموده به ایشان گفت: "ما در برابر یک عمل انجام شده قرار داریم - امین به قدرت رسیده است. تره کی در مقابل او مقاومت کرده نتوانست. و بصورت کل تره کی یک انسان عهد شکن بود و هیچگاه به وعده های خود وفادار نمی بود، حرف خود را به کرسی نمی نشاند، امین نه تنها همیشه به مشوره های ما موافق بود، بلکه همه آنچه را ما به او می گفتیم و مشوره می دادیم اجرا می کرد. امین شخصیت قوی است. ما باید مناسبات کاری را با وی عیار و به او کمک نمائیم. افسوس که رفیق داؤد ترون کشته شد. او یک کمونیست واقعی و دوست اتحاد شوروی بود.

بعد از دو ماه مکمل الکساندر میخائیلوویچ پوزانوف به مسکو خواسته شد و رسالت حزبی و دیپلماتیک وی به پایان رسید. (۶)

در این وقت تمام نمایندگی های شوروی در کابل به هدایت مسکو، مصروف جمع آوری معلومات در باره وضع افغانستان و آینده آنکشور بعد از به قدرت رسیدن امین، شدند.

انعکاسات و نتیجه گیری های جمع شده از منابع مختلف افغانستان و چینل های دیپلماتیک توسط اداره اطلاعات جاسوسی (کی جی بی) بیانگر آن بود که کودتای انجام شده ذریعه امین در ارگ (۷) باید بحیث شکست جدی شوروی ارزیابی گردد. پیشبینی اداره اطلاعات جاسوسی چنین بود که غصب تمام قدرت توسط امین باعث تشدید سیاست ترور و اختناق وی در کشور شده و در نتیجه به انجام فعالیت نیروهای مخالف منجر میگردد که در این حالت دفاع از انقلاب و (ح د خ ا) صرف به کمک مداخله نظامی شوروی ممکن میگردد که این عمل پدیده ای است نهایت نامطلوب، زیرا عکس العمل منفی تمام جهان را بیار خواهد آورد. برکناری به موقع امین از قدرت، احیای وحدت (ح د خ ا) و تعویض فوری سیاست داخلی ترور و اختناق به سیاست سازش و تفاهم می توانست به نجات از حالت مشابه مساعدت نماید. اما این همه از دست رفته است...

و اکنون وقت آنست تا سرگذشت چارگانه افغان که به اتحاد شوروی انتقال داده شده اند و بعداً با ببرک کارمل به کابل آمدند، مراجعه شود.

اطلاع ایلین در مورد اینکه وزراء مخلوع خلقی در اقامتگاه او قرار دارند، سفیر و جنرالان را وارخطا ساخت، اما در فکر آن شدند که با آنها و "تیوتای" داؤد چه کنند؟ در اطراف اقامتگاه ایلین آرامش و در دیگر جاها دست و پاچگی حکمفرما بود. تصمیم گرفتند تا شب، افغانان را به قرارگاه مفرزه (زینت) که در پهلو اقامتگاه ایلین قرار داشت انتقال دهند و موتر را به سفارت برده و در یکی از گاراژ ها مخفی نمایند که چنین هم کردند. آنگاه فکر کردند که عملیات فوق العاده اوپراتیفی (به مفهوم چکیستی) را انجام داده اند. اکنون نمیتوان بدون خنده بیاد آورد که برای انتقال "تیوتا" به سفارت چگونه پلان مزخرف سنجیده بودند!!

به عوض اینکه موتر خالی را به سفارت ببرند ، به کدام منظور نامعلوم چهار کارمند اوپراتیفی اداره اطلاعات جاسوسی را که چهره های مشابه با چهار افغان داشتند، در آن جابجا ساختند. باید میدانستند که موتر خالی با یک درپور کمتر جلب توجه میکرد.

مزخرف تر این بود که در حلقه های (کی جی بی) در سطح عالی فیصله نمودند تا غرض از بین بردن "شواهد" موتر را از بین ببرند. این فیصله که به غیر از دست پاچگی بیانگر چیز دیگری نبود ، در نتیجه کار پرمشقت عملی گردید : موتر را پوزه نمودند و در نزدیکی سفارت دفن کردند. وقتی خواهد رسید که افغانها این قبر را پیدا کنند، خیلی وقت بخود درد سر دهند تا بفهمند که این چه معنی داشت؟؟؟

پایان

(۱) من به این متن باور ندارم و به گمان اغلب در اینجا عمدتاً کوشیده اند تا خواننده را از واقعیت موضوع دور سازند و بر هدایت ماسکو به تره کی جهت از بین بردن امین و استقبال ببرک کارمل به حیث شخص قدرتمند دوم دولت پرده بیاندازند.

(۲) اولین بار است که ملاحظه میشود مقام یک سفارت کشور اشغالگر همسری به وزارت میکند و برای معاون یا نایب سفیر کلمه "معین" به کار میرود. از اینجا اهمیت سفارت شوروی در یک کشور اشغال شده ملاحظه میشود.

(۳) در اینجا سوالی مطرح می شود که اگر این نوشته را یک روس نموده باشد چطور نام سلاح روسی کلشنیکوف را به غلط مثل افغانها (کلشنیکوف) نوشته است. من به دلایل مختلف فکر میکنم که در تحریر این راپور دست افغان های پرچمی دخیل بوده است. همچنانیکه در سرتاسر این راپور نام (ماسکو) مسکو نوشته شده است که تلفظ خاص افغانهاست.

(۴) این سخن هم بی نماز معلوم میشود چه اگر شوروی ها در داخل دفتر وزیر خارجه وسایل تخنیکی خاص ثبت و جاسوسی را عیار کرده بودند که حتماً هم کرده بودند، نه تنها در دفتر وزیر خارجه بلکه در دفاتر همه وزراء و حتی رئیس دولت، پس سفارت شوروی چه لازم داشت که به راپور این چهار وزیر لعنتی گوش دهد.

(۵) اگر این راپور از طرف دفتر سفارت و یا اورگان های اطلاعاتی کی جی بی نوشته شده می بود ، به هیچ صورت این اصطلاح (فورمول بندی معروف) را نمی نوشتند. فلذا به عقیده اینجانب به گمان اغلب این نوشته برای گم کردن پل پا از طرف افغان های پرچمی شاخه نجیب نوشته شده است .

(۶) عجیب است که بر امر خروج الکساندر پورانوف سفیر شوروی از افغانستان به حیث شخص غیر مطلوب (personne non grata) در ۲۴ ساعت (به امر امین) که در تاریخ سیاسی افغانستان سابقه نداشت، هیچ تبصره نشده است.

(* نوشته دگروال الکساندر مروزوف معاون نمایندگی استخباراتی کا جی بی در کابل (سالهای ۷۵ و ۷۹) مجله عصر نوین چاپ شوروی شماره های (۳۸ تا ۴۱)